

حمایت از اعتراض کامیون داران و رانندگان ایران



بیانیه

حمایت از اعتراض و مطالبات کامیون داران و
رانندگان زحمتکش ایران
با امضای کنشگران، نهادهای سیاسی و رسانه‌های
اجتماعی

ما، جمعی از نهادها، رسانه‌ها، احزاب و کنشگران دمکرات، جمهوریخواه دموکرات و عدالتطلب حمایت کامل، فعال و بمقید و شرط خود را از اعتراض سراسری و مطالبات صنفی کامیون داران و رانندگان زحمتکش در سراسر ایران اعلام می‌کنیم.

اعتراض جاری تنها یک مطالبه صنفی نیست، فریادی است علیه سیاستهای پژوهینه و ناکارآمد جمهوری اسلامی. نظامی که علاوه بر وجود فساد سیستماتیک در خود با سیاست‌های پژوهینه هسته ای و ایجاد و توسعه محور مقاومت، تحریم‌های گسترده اقتصادی را به کشور و ملت ایران تحمیل نموده که نتیجه آن تورم افسار گسیخته،

فروپاشی قدرت خرید مردم، فقر گسترده و بحران‌های اقتصادی بوده که زندگی میلیون‌ها تن از هموطنان را به مخاطره انداخته است.

رانندگان زحمتکش کامیون‌ها، که از ستون‌های اصلی نظام حمل و نقل کشور هستند، امروز به نماینده‌ی خیل عظیم کارگران و مزدگیران بدل شده‌اند.

اعتراض آنان، صدای میلیون‌ها ایرانی فرودست است که زیر فشار ساختار را نمی‌توان افسار گسیخته، توان ادامه زندگی را از دست داده‌اند.

ما بر این باوریم که راه حل مشکلات کنونی، نه در سرکوب و وعده‌های مقطوعی، بلکه در گذار به دمکراسی پایدار و جمهوری است نظامی که در آن کرامت انسانی، عدالت اجتماعی، شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون نهادینه شده باشد. هم پیوندی و همبستگی اقشار مختلف مزدگیران و طبقه متوسط کلید گذار است. راه حل بهبود شرایط اقتصادی، اتخاذ سیاست توسعه پایدار و رفاه اجتماعی و گذار به دمکراسی و جمهوری است.

هرگونه تلاش برای مقصو جلوه دادن این اعتصاب و به دنبال آن سرکوب مردم، انحراف از منشأ واقعی بحران‌هاست یعنی: ساختار سیاسی و اقتصادی ناکارآمد جمهوری اسلامی.

ما با کامیون‌داران و رانندگان زحمتکش ایستاده‌ایم؛ صدای آنان، صدای مردم ایران است. مردمی که در کوران مبارزه متنوع خود برای آزادی سبک زندگی، آزادی پوشش، نان، عدالت اجتماعی، کرامت انسانی، برابری و دموکراسی هستند.

تهیه شده در شبکه همگرایی جمهوری جمهوری خواهان سکولار دمکرات ایران

<https://t.me/jomhouriSecularHamgerayee>

دوشنبه دوم ژوئن ۲۰۲۰

انتشار اول دوم ژوئن 2025

امضاها تا پایان اعتراض و تحقق مطالبات ادامه دارد

الف- امضاها رسانه های اجتماعی و تصویری

۱- آزادی عدالت اجتماعی میاورد

۲- تلگرام حزب دمکرات ایران

۳- رسانه اجتماعی سیما جمهوری ایران: تلگرام، توییتر و
اینستاگرام

۴- تلگرام میدان دمکراسی و جمهوری ایران

۵- فیس بوک و اینستاگرام ندای جمهوری ایران

۶- ایران سولیداریتی- اتاوا

۷- گروه واتزап دوستان ایرانی

۸- تلگرام رسانه همگرایی جمهوری خواهان

۹- تلگرام کوروش پارسا

۱۰- گروه تلگرام میدان دمکراسی و جمهوری ایران

۱۱- کانال اطلاع رسانی حسن نایب هاشم

۱۲- تلگرام نشریه جمهوری خواهان ایران

۱۳- گروه تلگرامی کوچه رندان

۱۴- کانال تلگرام بنیاد ملی ایران

۱۵- کانال تلگرام بنیاد ملی شیر و خورشید ایران

۱۶- تلگرام ایرانیان جمهوری خواه استرالیا

۱۷- کانال تلگرام دیدگاهی دیگر

۱۸- کانال تلگرام اخبار اعتراضات مردمی

- ۱۹- تلگرام بر اساس یک داستان واقعی
- ۲۰- تلگرام سیتادل
- ۲۱- تلگرام جمهوری خواهان ایرانی
- ۲۲- کانال واتزآپی تفکر نقادانه پ شناخت مغالطه های فلسفی
- ۲۳- کانون گفتگوی بازنشستگان تامین اجتماعی
- ۲۴- تلگرام کمپین نه به اعدام
- ۲۵- همراه با جنبش زن زندگی آزادی
- ۲۶- کانال تلگرام ازادی با ازادی
- ۲۷- تلگرام زحمتکش
- ۲۸- تلگرام میراصغر موسوی
- ۲۹- تلگرام پویش جمهوری خواهان سکولار علیه نبعیض
- ۳۰- تلگرام جمهوری، دمکراسی توسعه پا یدار
- ۳۱- گروه تلگرامی اندیشکده جمهوری خواهان سکولار دمکرات ایران
- ۳۲- مجله ملیون جمهوری خواه ایران
- ۳۳- هفته نامه قلم معلم
- ۳۴- وب سایت جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر
- ۳۵- گروه رسانه ای «رسانه های ملی و همگانی به مثابه شاخه چهارم دولت»
- ۳۶- تلویزیون و سایت رنگین کمان بنیاد آزادی اندیشه و بیان
- ۳۷- فیس بوک لیبرال دمکراسی و جمهوری، کمپین فرهنگی ضد تبعیضعلیه بهائیان، فیس بوک سیماه ایران
- ۳۸- تلویزیون اینترنتی سیماه جمهوری ایران
- ۳۹- کانال تلگرام شبکه همگرایی جمهوری خواهان

- ۴۰- کا نال تلگرام بکتاش آبتنی
- ۴۱- گروه تلگرام آکسیون مونترال
- ۴۲- گروه تلگرام حمایت از جنبش زن زندگی آزادی
- ۴۳- کا نال تلگرام آزادیخواهان سوسیالیست
- ۴۴- نهاد برگزاری رفرا ندم مردم نهاد
- ۴۵- کا نال تلگرام الن اکباتانی
- ۴۶- تلگرام کا نال رسمی مهرداد درویش پور
- ۴۷- رادیوپارس

ب- امضاهای فردی

- ۱- مهدی انصاری
- ۲- عباس خرسندی،
- ۳- کوروش پارسا،
- ۴- همایون فاطمی زاده
- ۵- شهین حیدری،
- ۶- کامران چاه تل
- ۷- یحیی سالاری
- ۸- کیا نوش خاکسار
- ۹- شعله زمینی
- ۱۰- حسن نایب هاشم
- ۱۱- حسین ایرانی

- ۱۱- بهنام بیان
- ۱۲- احسان حکیمی
- ۱۳- محمد برزنجه
- ۱۴- سعید رضا تهرانی
- ۱۵- بهنام شادروان
- ۱۶- آرش آذرخش
- ۱۷- جیران مقدم
- ۱۸- با بک خطی
- ۱۹- مهرداد صمدزاده
- ۲۰- رضا پورمقدم
- ۲۱- ن. حقیقت
- ۲۲- منصور زند
- ۲۳- ن. نوری زاده
- ۲۴- پرویز زندی نیا
- ۲۵- هوشنگ قهرمانلو
- ۲۶- نیما بهرامی
- ۲۷- احمد وحدانی
- ۲۸- منصور فرهنگ
- ۲۹- علی انتشاری
- ۳۰- محمد امین کرمانشاهی
- ۳۱- محمد مهدی حسینی خراسانی
- ۳۲- اسماعیل صفرزاده

- ۳۳- حبیب بھرہ من
- ۳۴- محمد ابوطالبی
- ۳۵- رضا مریدی
- ۳۶- محمد ترابی
- ۳۷- شاپور بھرا می
- ۳۸- ناصر جمالی
- ۳۹- رضا ترابی
- ۴۰- حسین نداوش
- ۴۱- بهمن اکبر پور
- ۴۲- جواد رحیم پور
- ۴۳- امیر ساسان شرفی
- ۴۴- پریسا آزادی
- ۴۵- کوروش زعیم
- ۴۶- علا فاضل
- ۴۷- سعید رضا راد
- ۴۸- شیوا حسینی
- ۴۹- حمید ھمت پور
- ۵۰- پونہ فتاحی
- ۵۱- سیف احمد ایں
- ۵۲- پونہ بیگ محمدی
- ۵۳- محمد بیگ محمدی
- ۵۴- کمال رحمانیان

- ۵۶- جواد فتح اللهی
- ۵۷- اعظم باقر نژاد
- ۵۸- عباد عموزاد
- ۵۹- جمال محسن پور
- ۶۰- شهلا انتصاری
- ۶۱- حمید بی آزار
- ۶۲- هایده داهی
- ۶۳- پریسا اعظمی
- ۶۴- داود غلام آزاد
- ۶۵- ژاله وفا
- ۶۶- جهانگیر گلزار
- ۶۷- طاهره صادقی
- ۶۸- الهام رحیمی، حزب دمکرات ایران آزاد
- ۶۹- علیرضا خزاینی
- ۷۰- محمد رضا خسروی
- ۷۱- امید مصیر
- ۷۲- کامران پارسا یی
- ۷۳- کرم کشوری
- ۷۴- اعظم ایرانی
- ۷۵- شاپور اصفهانی
- ۷۶- داود احمدلو
- ۷۷- میراصغر موسوی

- ۷۸- رضا علوی
- ۷۹- بهامین پوررضا
- ۸۰- محسن نژاد
- ۸۱- رضوان مقدم، سخنگوی کمپین توقف قتل های نا موسی
- ۸۲- انور میر ستاری
- ۸۳- البرز شیرزادی
- ۸۴- آذر سنجری
- ۸۵- لیدا درفشه
- ۸۶- اسفندیار خلف
- ۸۷- محسن صفراللهی
- ۸۸- شقا یق صادقی گودرزی
- ۸۹- شیده ایمانیان
- ۹۰- مرتضی نیکی
- ۹۱- فرشته آبادی
- ۹۲- فریبا بقراطی
- ۹۳- شمسی فتاحی
- ۹۴- مرتضی انواری
- ۹۵- مهرگان و ثوق
- ۹۶- مسعود واشقی
- ۹۷- حسن دریادل توانا
- ۹۸- علی ساکی- نروژ
- ۹۹- علی ملک- هامبورگ

- ۱۰۰ - مژگان حبیبی
- ۱۰۱ - محمد خاکساری
- ۱۰۲ - سهیلا ستاری
- ۱۰۳ - البرز سلیمی
- ۱۰۴ - سپاس سلیمی
- ۱۰۵ - داود پارسیان
- ۱۰۶ - مجید عبدالرحیم پور
- ۱۰۷ - فرهنگ قاسمی، سخنگوی حزب جمهوری خواه سوسیال دمکرات ولائیک ایران
- ۱۰۸ - علی صدارت
- ۱۰۹ - نیزه انصاری
- ۱۱۰ - سید امیر میرزاده موسوی ، فعال حقوق بشر
- ۱۱۱ - نیما مشعوف، فعال حقوق زنان ، مونترال، کانادا
- ۱۱۲ - اسماعیل زرگریان
- ۱۱۳ - اصغر کیانی
- ۱۱۴ - نیک وزیری
- ۱۱۵ - فرزانه مهدوی
- ۱۱۶ - محمد تکوک
- ۱۱۷ - زری عرفانی
- ۱۱۸ - بابک بازرگان
- ۱۱۹ - ثانث اقدسی
- ۱۲۰ - حمید کوثری
- ۱۲۱ - محمد دشتی
- ۱۲۲ -

۱۲۳ - الـهـهـ مشعـوـفـ

۱۲۴ - پـروـانـهـ شـكـرـاـ بـيـ

۱۲۵ - اـحـمـدـ مشـعـوـفـ

۱۲۶ - سـيـفـ اـهـدـاـ بـيـ

۱۲۷ - اـكـبـرـ حـجـارـيـانـ

۱۲۸ - چـيـمـنـ جـوـاـ نـرـودـيـ

۱۲۹ - مـحـمـودـ رـجـبـلـوـ

۱۳۰ - الـنـ اـكـبـاتـاـنـىـ

۱۳۱ - اـبـرـاهـيمـ حـسـنـ زـادـهـ

۱۳۲ - بهـمـنـ فـرـحـبـخـشـ

۱۳۳ - مرـيمـ اـهـرـىـ

۱۳۴ - الـفـ اـعـظـمـ

۱۳۵ - سـعـيدـ يـاـورـىـ

۱۳۶ - فـاطـمـهـ زـارـعـ

۱۳۷ - مـهـرـدـادـ بـرـانـ

۱۳۸ - مـحـمـودـ پـارـسـاـ بـيـ

۱۳۹ - اـفـسـانـهـ نـجـاـتـىـ

۱۴۰ - فـرـيـدـونـ رـحـمـاـنـىـ

۱۴۱ - بهـرـامـ رـسـتاـ،ـ هـاـمـبـورـگـ،ـ آـلـمـانـ

۱۴۲ - سـيـرـوـسـ كـسـرـائـيـانـ

۱۴۳ - منـيـزـهـ صـباـ

۱۴۴ - مجـيدـ مـالـكـىـ

- ۱۴۰ - کاظم علمداری
- ۱۴۱ - رضا اسماعیلی
- ۱۴۲ - شهناز شیردلیان
- ۱۴۳ - امیراحمد مفید
- ۱۴۴ - بیژن افتخاری
- ۱۴۵ - نادر نعمت زاده
- ۱۴۶ - سهند افشارا
- ۱۴۷ - زیبا میرحسینی
- ۱۴۸ - حسین علوی
- ۱۴۹ - آیدا حسین فر
- ۱۵۰ - ژانت آفاری
- ۱۵۱ - عفت ماهیار
- ۱۵۲ - ایرج همراه
- ۱۵۳ - مهرداد درویش پور
- ۱۵۴ - مهران مصطفوی
- ۱۵۵ - فروزا پورکی
- ۱۵۶ - الهه امانی
- ۱۵۷ - بهروز بیات، وین، اتریش
- ۱۵۸ - رضا حسین بر
- ۱۵۹ - اتسا امیری
- ۱۶۰ - کیمیا مرتضوی
- ۱۶۱ - مجید ناصری

پ- امضای نهادها

- ۱- شبکه همگرایی جمهوری خواهان سکولار دموکرات ایران
- ۲- جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران
- ۳- نهاد همگرایی جمهوری خواهان ایران- استکهلم
- ۴- گروهی از جمهوری خواهان نیویورک
- ۵- نهاد «همه حقوق بشر، برای همه، در ایران»
- ۶- ایرانیان جمهوری خواه استرالیا
- ۷- جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر
- ۸- انجمن آزادی خواهان آتلانتا
- ۹- جبهه ملی ایران- شورای ششم
- ۱۰- انجمن فینیکس
- ۱۱- گروه پژوهشی دانا
- ۱۲- گروه نه به جمهوری اسلامی، اورنج کانتی، کالیفرنیا
- ۱۳- گروه پیروز (جمهوری خواه)
- ۱۴- انجمن ایرانیان جمهوری خواهان تورنتو- تیرا

لطفا برای امضا نام شخصی یا نام رسانه اجتماعی یا نام نهاد خود یا ترکیبی از موارد بالا را به ای میل زیر ارسال کنید.

uasdi.action@gmail.com

کمپین امضاگیری تا زمانی که اعتراض کامیونداران و رانندگان ادامه دارد، انجام میشود.

همبستگی با مزد بگیران بخش صنایع نفت و پتروشیمی در ایران



اطلاعیه سندیکاهای فرانسوی

از ۱۹ ژوئن بیش از ده هزار کارگر حدود ۷۰ شرکت پروژه ای و پیمانکاری صنایع نفت و پتروشیمی در جنوب ایران در اعتراض به سرمی برند. قردادهای آن‌ها موقتی است یا قادر هر نوع قراردادی هستند.

خواستهای آن‌ها عبارتند از:

- افزایش حقوق به ۱۲ میلیون تومان (معادل ۴۰۰ یورو)؛
- پرداخت فوری حقوق معوقه؛
- بهبود شرایط محیط کار و رعایت استانداردهای ایمنی محیط کار،
- ده روز استراحت در ازای بیست روز کار (محل زندگی و کار کارگران بسیار دور از خانوادها خود بوده، و شدت گرمای هوا تا ۵۰ درجه سانتیگراد می‌رسد؛
- استخدام مستقیم همه کارگران موقت با قراردادی مشابه کارگران دائمی؛
- قطع پیمانکاری
- بازگشت به کار همه کارگران اخراجی؛
- لغو کلیه قوانین ویژه "مناطق اقتصادی ویژه"؛
- خدمات درمانی و آموزشی رایگان، ایجاد مسکن شایسته زیست با خانواده؛
- حق تجمع، اعتصاب و ایجاد تشکلات مستقل از حکومت؛

کارگران موقت اعتضابی "شوراهای اسلامی کار" ایجاد شده توسط حکومت را نمی‌پذیرند، تشکلاتی که قرار است آن‌ها را نمایندگی کند، آن‌ها اعلام می‌کنند: «این شوراهای ابزارهای کنترل کارگران بوده و در خدمت صاحبان شرکت‌ها هستند». آن‌ها هم چنین می‌افزایند: «همانند همکاران مان در نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز و دیگر شرکت‌ها ما هیچ گاه ایجاد "شوراهای اسلامی کار" را نمی‌پذیریم و "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" صدام، نماد وحدت ما و کارگران است.

ما سازمان‌های سندیکایی فرانسه، پا به پای اکثریت مردم ایران، و همراه با ایرانیان در سراسر دنیا، حمایت کامل خود را از مزدبران در حال مبارزه در ایران اعلام می‌کنیم.



کنفراسیون عمومی کار (س_ث_ت)
فدراسیون سندیکائی متحد (اف اس او - فرهنگیان)
اتحادیه سندیکائی برای همبستگی (سولیدر)
اتحادیه ملی سندیکاهای مستقل (اونسا)

پاریس، ۰ ژوئیه ۲۰۲۱

اعتراض کارگران پیمانی در منطقه عسلویه



گفتگو با یک کارگر اعتضابی در عسلویه

آنچه در ذیل می خوانید متن گفت و گوی یکی از فعالین اتحاد بین المللی با یک کارگر اعتضابی شاغل در شرکت پیمانی در منطقه عسلویه است. گفتگو از طریق تماس تلفنی انجام گرفته و ضبط شد. سپس متن نوشتاری آن تهیه و برای

ملاحظه و احتمالاً اصلاح و تغییر برای ایشان ارسال شد که حاصل نهایی آن رفت و برگشت‌ها متن زیر است. به دلیلی که نیاز به گفتن ندارد، ایشان نخواست که نام واقعی گفتگو کننده آورده شود و ما نیز درست ندیدیم که متن را با نام مستعار منتشر کنیم.

از اینکه پذیرفتی تا با هم گفتگو کنیم، تشکر می‌کنم. از خودت بگو؛ چند سال است در عسلویه کار می‌کنی و شغلت چیست؟

من هم از شما تشکر می‌کنم به خاطر این گفتگو. حدود 5 سال در عسلویه کار کرده‌ام؛ یک دوره سه ساله و یک دوره دو ساله، و الان هم حدود چند ماه است که برگشته‌ام و با یک شرکت پیمانی کار می‌کنم. کارم رنگزندی قسمت اورهال است که کار تخصصی محسوب می‌شود. در این پنج سال با شرکت‌های پیمانی مختلف کار کرده‌ام و در کمپهای مختلف بوده‌ام. شاید فکر کنی که پنج سال کار کردن در این منطقه، سابقه کاری زیادی نیست، ولی باید در نظر بگیری که با توجه به شرایط کار، وضعیت کمپ‌ها و گرمای سوزان منطقه، پنج سال، زمان زیادی است و شاید یک سابقه کاری متوسط در اینجا به حساب بیاید. فقط یک نفر را می‌شناسم که سابقه کارش حدود بیست سال است. اسمش آقای رحیمی است و انسان بسیار محترمی است. به خاطر همین سابقه و شخصیت‌اش اسم یکی از کمپ‌ها در اینجا یعنی همان کمپی که او در آنجا زندگی می‌کند را گذاشته‌اند کمپ رحیمی.

یکی از خواستهای اصلی که برایش اعتراض کرده‌اید، افزایش دستمزدهاست. سطح دستمزد کارگران شرکت‌های پیمانی بطور تقریبی چقدر است؟

اول این را بگویم که در آغاز اعتراض بعضی‌ها از سر بر اطلاعی، خبرها یعنی پخش کردند مبنی بر اینکه یکی از خواستهای ما افزایش دستمزد تا 12 میلیون تومان است، که درست نبود. البته بعداً اصلاح شد و گفتند که این عدد، کف درخواست افزایش دستمزدهاست.

همچنین خبر نادرست دیگری هم پخش شد که باز هم ناشی از بی اطلاعی بود. گفته شده بود که کارگران پیمانی پالایشگاه نفت در عسلویه نیز به اعتراض پیوسته‌اند. این در صورتی است که اصلاً در عسلویه پالایشگاه نفت وجود ندارد. اینجا پالایشگاه‌های گاز و انواع و اقسام شرکت‌های پتروشیمی فعالیت می‌کنند. در پاسخ به پرسش تو باید بگوییم که در این شرکت‌های پیمانی سه گروه و یا سه رده شغلی از کارگران مشغول به کارند: اول کارگران خدماتی یا کارگران ساده که شامل به اصطلاح نظافتگران هم می‌شود. دستمزد اینها $5/4$ میلیون تومان است. اینها می‌خواهند که حقوقشان به 8 میلیون تومان افزایش یابد. دوم کارگران نیمه‌ماهر مانند کارگران ابنيه هستند که حقوقشان بین 7 تا 8 میلیون تومان است. اینها می‌خواهند که حقوق شان به 12 میلیون تومان افزایش یابد. و سوم کارگران ماهر، مانند جوشکارها یا کارگران تاسیسات است و یا کاری که من انجام می‌دهم یعنی رنگکاران قسمت اورهال که دستمزدشان ماهانه حدود 13 میلیون تومان و یا بیشتر است. اینها درخواستشان افزایش دستمزد به 17 میلیون تومان است. لازم است تاکید کنم که خواست ما این است که این حقوق باید جدا از مزایا باشد، یعنی مزایا جزو حقوق ثابت به حساب نیاید. خواست دیگر ما تناوب بین کار و مرخصی است. در حال حاضر ما 24 روز در ماه کار می‌کنیم و 6 روز مرخصی داریم. خواست ما این است که این تناوب به 20 روز کار و ده روز مرخصی تغییر یابد. اینها خواسته‌های اصلی است. این را هم بگوییم وقتی من به همکاران کارگرم مثلاً در تهران می‌گوییم ما 6 روز در ماه مرخصی داریم، می‌گویند خب این که خیلی خوب است؛ 6 روز مرخصی در ماه! اما نمیدانند که ما اینجا چه می‌کشیم. کار و شرایط اینجا را نمیدانند. وضع کمپهای اینجا، گرمای کشنده و از هزار مشکل دیگر در اینجا خبر ندارند. مثلاً نمیدانند که من مجبورم بعد از کار روزانه، به مدت طولانی با تینر، گردنه‌های رنگ را که به مخاط بینی‌ام چسبیده را پاک کنم و تازه بعد از آن سردرد شدید شروع می‌شود که

گاهی تا سه ساعت ادامه می‌یابد.

می‌توانی بطور تقریبی بگویی که کلا تعداد کارگران پیمانی در عسلویه چقدر است و چه درصدی از کارگران در اعتصاب شرکت کرده‌اند. آیا برآورده از نسبت کارگران خدماتی و نیمه‌ماهر و ماهر که از آنها صحبت کردی داری؟

تعداد دقیق کارگران شاغل در شرکتهای پیمانی در عسلویه را نمی‌دانم، اما برآوردم این است که بین 8 تا 10 هزار کارگر بطور پیمانی و یا پروژه‌ای در عسلویه کار می‌کنند و یا بهتر است بگوییم که کار می‌کردند، چون الان در اعتصاب به سر می‌برند. اما در رابطه با نسبت بین گروه‌های کارگری، شاید بهترین کار این باشد که من از کمپی که در آن هستم شروع کنم، آن وقت یک تصویر کلی به دست می‌آید. در این کمپ حدود 400 نفر ساکن هستند. از اینها حدود 200 نفرشان کارگران ماهر هستند. حدود 150 نفر کارگر نیمه‌ماهر و بقیه یعنی حدود 50 نفر نیز کارگران خدماتی هستند. این تناسب در کمپ‌های دیگر هم تقریباً به همین گونه است. بنابراین می‌توانم بگویم که کارگران ماهر و نیمه ماهر تقریباً 90 درصد کارگران را تشکیل می‌دهند.

از همان اوایل اعتصاب بیش از 90 درصد کارگران به اعتصاب پیوستند. این رقم حالتاً به 100 درصد رسیده است زیرا حالا دیگر همان چند درصدی که در روزهای اول به سر کار میرفتند دیگر نمی‌روند به این دلیل که اصولاً دیگر کاری وجود ندارد. این کسانی که اوایل سرکار میرفتند بیشترشان از کارگران خدماتی بودند، کارگر ساده بودند و همانطور که گفتم پایین‌ترین حقوق را می‌گیرند و می‌ترسیدند که کارفرما اخراج شان کند و به راحتی کسان دیگری را به جای آنها استخدام کند. در این رابطه، یعنی رفتن عده‌ای از کارگران به سرکار، شاهد صحنه‌های بسیار آزاردهنده‌ای بودم: صبح زود سر ساعت 6 در کمپ شاهد بودم که حدود 150 نفر از کارگران، بطور دستجمعی

کنار هم ایستاده‌اند و رو به چند نفری که هنوز سر کار میرفتند، داد میزدند "بیشوف، بیشوف". خیلی آزاردهنده و تاسف‌آور بود. ما را وادار کرده بودند که در مقابل هم باشیم. آن فریاد زدن‌ها از طرف ۱۵۰ نفر از یک لحاظ اراده راسخ آنها به تداوم اعتصاب را نشان می‌داد اما از سوی دیگر بد بود، نادرست بود. چون این کارگرانی که به سر کار میرفتند واقعاً به پول یک تخم مرغ محتاج بودند. بعداً که با آنها صحبت کردیم می‌گفتند ما می‌ترسیم، ما که مثل شما تخصص نداریم، کارفرما می‌تواند فوراً ما را اخراج کند و افراد دیگری را به جای ما استخدام کند. می‌گفتند ما دلمان با شماست و می‌خواهیم اعتصاب موفق شود. به هر حال همانطور که گفتم اینها هم بعداً سرکار نرفتند.

پیش از آنکه به اعتصاب بپردازیم می‌خواستم بدانم اصولاً چه تعداد از این کمپ‌ها در منطقه عسلویه وجود دارد و در هر کمپ چند نفر می‌خوابند و امکانات رفاهی و بهداشتی آنها چگونه است؟

تعداد کمپ‌ها خیلی است. از اینجا تا کنگان پراست از این کمپ‌ها. چند صد کمپ وجود دارد. تعداد کارگران ساکن هر کمپ متفاوت است. در بعضی از این کمپ‌ها حدود ۵۰۰ نفر کارگرساکن هستند. در کمپ ما حدود ۴۰۰ نفر زندگی می‌کنند. امکانات کمپ‌ها حداقل هم نیست، چیزی در حدود صفر است. مثلاً کمپ ما شامل ۴۰ اتاق است. در هر اتاق ۹ نفر کنار هم بر روی کف اتاق که با موکت زبر و کهنه پوشیده شده می‌خوابیم. به هر نفر یک متر جا می‌رسد و هنگام خواب، ناخود آگاه پای یکی روی سر دیگر می‌خورد... در این کمپ ۴۰۰ نفره فقط چهار سرویس بهداشتی و ۵ دوش وجود دارد. ساعت ۶ صبح معروفیم سرکار و ساعت ۷ عصر، کار تمام می‌شود و تا بررسیم به کمپ، می‌شود ساعت هفت و نیم عصر. حسابش را بکنید که بعد از یک روز کار طولانی آن هم در محیط‌های معمولاً آلوده حالت می‌خواهی لباس‌های عرق خورده‌ات را در بیاوری و در حمام، دوش بگیری. به هر نفر دو دقیقه هم وقت نمی‌رسد. وقتی

یک نفر در حال دوش گرفتن است ده نفر دیگر در صف منتظر ایستاده‌اند و مرتب‌آز او میخواهند که زودتر تمام کند. تقصیر هم ندارند، تعداد دوشها به نسبت این همه آدم خیلی کم است. این وضعیت امکانات کمپ‌های است. گاهی وقت‌ها گزارش‌هایی که از وضعیت زندان‌ها میخوانم و یا میشنوم و آن را مقایسه می‌کنم با وضعیت خودمان در این کمپ‌ها، می‌بینم تفاوت زیادی بین این کمپ‌ها و آن زندان‌ها وجود ندارد. نمیدانم، شاید اصلاً وضع زندان‌ها بهتر باشد.

این را هم اضافه کنم که علاوه بر کمپ‌های کارگری، در اینجا کمپ‌هایی هم برای مهندسان و کارمندان شرکت‌ها وجود دارد که وضعیتشان متفاوت است. امکانات خوبی دارند و معمولاً تعداد ساکنان در هر خوابگاه حدود ده نفر است.

با توجه به وضعیت کمپ‌ها و کمبود امکانات و یا نبود آن، رابطه کارگران با هم در این کمپ چه طور است؟

همان طور که گفتم صبح ساعت 6 سوار سرویس میشویم و میرویم سر کار و عصر ساعت حدود هفت و نیم برمی‌گردیم به کمپ. تا دوش بگیریم، لباس‌هایمان را بشوییم و شام بخوریم، زمان گذشته است. ساعت بین 9 تا 10 شب هم می‌گیریم میخوابیم، یا بهتر است بگوییم که از فرط خستگی از پا می‌افتیم. البته بعضی موقع‌ها نیز با هم گپ می‌زنیم، شوخی‌ها و بگو و بخندهایی هم داریم.

وضع غذا چطور است؟

غذای کارگران به حساب کارفرماهای است. صبحانه معمولاً شامل نان و یک تکه کوچک پنیر یا یک بسته کوچک مریبا و کره است. نهار تقریباً خوب است و سیر می‌شویم، و شام هم چطوری بگوییم، زیاد بد نیست. تصور نکنی که سالن غذاخوری داریم. نه. غذا در

کیسه‌های پلاستیکی به دستمان داده می‌شود و کارگران باید گوشه‌ای پیدا کنند و بنشینند و غذا بخورند.

به اعتراض برگردیم. اعتراض چطور شروع شد؟ با توجه به اینکه کارگران پیمانی و یا پروژه‌ای در استخدام شرکت‌های مختلف هستند و در پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌های مختلف و تقریباً دور از هم کار می‌کنند، چگونه توانستید به طور همزمان و سراسری دست به اعتراض بزنید؟

همانطور که می‌دانی اعتراض از روز 29 خرداد ماه شروع شد و جرقه آن را کارگران جوشکار زدند. کارشان جرقه زدن است دیگر. سال گذشته نیز این کارگران جوشکار بودند که اعتراض را شروع کردند و توانستند به بخشی از خواسته‌ها یشان برسند؛ مثلاً یک میلیون تومان به حقوقشان اضافه شد. درست است که کارگران در پالایشگاه‌ها و شرکت‌های مختلف کار می‌کنند اما ما با هم ارتباط داریم. بگذار یک مثال بزنم: برای نمونه خود من در شرکت‌های مختلف کارکرده‌ام و در طول این سال‌ها با کارگران مختلف که حالا در شرکت‌های دیگر در اینجا کار می‌کنند آشنا و دوست شده‌ام و با هم ارتباط داریم. به علاوه فعالیت کارگری از کمپهای مختلف با یکدیگر تماس دارند، هم‌دیگر را از نزدیک می‌شناسند و بطور کلی از وضعیت کاری در شرکت‌های مختلف اطلاع دارند. در کنار همه اینها تا همین چند مدت پیش ما یک کانال تلگرامی داشتیم که بالای 4000 نفر عضو داشت و تنها کارگران اینجا، آن هم با ارائه شماره پرسنلی خود می‌توانستند عضو شوند. الان هم گروهای مختلف تلگرام و واتساپ داریم. خب برای سازماندهی این اعتراض، از همه این راه‌ها و امکانات و ارتباطات استفاده شده است. این را هم بگویم که وقتی کارگران وضعیت خود و همکاران خودشان را در سراسر منطقه می‌بینند، واضح است که احساس همبستگی و یکی بودن می‌کنند. وقتی سر کار به همکارت می‌گویی که حال جسمی‌ام خوب نیست، دلدرد و سردرد دارم و فکر می‌کنم که به خاطر غذا بی‌است که به ما داده‌ام و او جواب میدهد که

من هم از وقتی که آن غذا را خورده‌ام حالم خوب نیست و درد دارم، دیگر لازم نیست که حالا کسی بیاید و برایمان توضیح دهد که ما درد مشترک داریم. خود دردها، فریاد می‌زنند که مشترکند و علت مشترک دارند. بنا براین این سؤوال برایمان پیش می‌آید که حالا باید برای این دردهای مشترک چه کاری انجام دهیم. اعتصاب یکی از این کارهاست. کارگران پیمانی نمی‌توانستند این وضعیت را بیش از این تحمل کنند. به همین دلیل دست به اعتصاب زده‌ایم.

با توجه به این توضیحات، می‌توان دریافت که این اعتصاب از نوعی سازماندهی برخوردار بوده و هنوز هم برخوردار است. پرسش این است که چرا در این اعتصاب ما شاهد تجمع‌های اعتراضی و یا راهپیما یی توسط کارگران اعتضابی نبودیم؟ آیا از همان ابتدا قرار بر این شده بود که تجمع و یا راهپیما یی صورت نگیرد؟

تا آنجا که من می‌دانم چنین قراری گذاشته نشده بود. بر عکس در همان اوایل اعتصاب ما عده‌ای از فعالین کارگری در تدارک برگزاری راهپیما یی و تجمع بودیم. اما فرصت نشد و نتوانستیم. در همان زمان که ما در تدارک این کار بودیم خبر به دلایلی که نمی‌دانم به بیرون درز کرد. زیرا طولی نکشید که از سوی امام جمعه اینجا به ما خبر دادند که او می‌خواهد دیداری با نمایندگان کمپ‌های کارگری داشته باشد. درخواست شده بود از هر کمپ یک و یا دو نفر در این جلسه شرکت کنند. من به عنوان نماینده از کمپ خودمان رفتم. حدود 12 و یا 13 نفر نماینده از کمپ‌های دیگر هم آمده بودند. بعد از تعارفات اولیه، امام جمعه گفت: در این اعتصاب حق با شماست و من از حق شما دفاع می‌کنم. دولت کلی به این شرکت‌های خصوصی پول می‌دهد و اینها به جای اینکه پولی را که بابت کار شما از دولت می‌گیرند به شما بدهند، بخش زیادش را بالا می‌کشند. شما هم اعتراض و اعتصاب کرده‌اید که حق دارید. اما باید بدانید اگر به خیابان بیایید و راهپیما یی کنید، به ضرر خود شما تمام خواهد شد. گفت معاندین و رسانه‌های

خارج از کشور مانند بیبیسی و من و تو و... از این عمل شما علیه نظام استفاده میکنند، شما نباید بهانه به دست دشمنان بدھید. خلاصه اینکه هشدار داد و تهدید کرد.

پاسخ شما به امام جمعه چه بود؟

به او گفتم من به عنوان نماینده کارگران نمیتوانم در اینجا از سوی کارگران بگویم که آنها قصد دارند راهپیمایی بکنند و یا نه، چون چیزی از تصمیم آنها نمیدانم و بنابراین نمیتوانم در این مورد نظر بدهم. گفتم اصولاً کارگران به من نمایندگی نداده‌اند تا در این مورد با شما و یا هر شخص و یا ارگان دیگر گفتگو کنم، اما نظر شخصی من این است که اگر کارگران تصمیم بگیرند که راهپیمایی بکنند، نه من و نه هیچ کس دیگر نمیتواند مانع شان شود؛ مثل سیل مریزند بیرون. خود من هم اگر ببینم 50 نفر کارگر در خیابان دست به راهپیمایی زده‌اند و خواسته‌های مرا میگویند، من هم به آنها میپیوندم.

در همان روزهای اول اعتراض تعداد زیادی از کارگران اعتقادی تصمیم گرفتند که به جای ماندن در کمپها به شهرستانها و به طور کلی به محل سکونت خود برگردند. آیا این تصمیم درست بود؟ در حال حاضر چه تعداد از کارگران هنوز در کمپها مانده‌اند؟

به نظر من تصمیم خالی کردن کمپها، ترک منطقه و برگشت به خانه اشتباه بود. کارگران باید در کمپها میمانند و خواسته‌های خود را همینجا دنبال میکردند. به دلایلی که نمیتوانم در اینجا به آن بپردازم در این مورد هماهنگی وجود نداشت. به یک باره این نظر پا گرفت که برای ادامه اعتراض، بهتر است که کارگران برگردند به محل سکونتشان. در همان روزهای اول، موج ترک عسلویه شروع شد، به نحوی که دیگر بليط اتوبوس پيدا نمیشد. عده‌اي از کارگران شب را در ترمinal میخوابيدند که شاید روز بعد

بتوانند برگردند. در همان روزهای اول از 400 کارگر در کمپ ما فقط 25 کارگر در کمپ ماندند و همین حالا که من با شما صحبت میکنم فقط 9 نفر از ما باقی مانده‌ایم. در کمپهای دیگر نیز وضعیت کم و بیش همین گونه است. به علاوه، کارفرماها نیز از همان آغاز اعتصاب، ارائه غذا را در کمپها قطع کردند و کارگرانی که مانده بودند مجبور بودند خودشان برای خود غذا بخوردند. سپس آب آشامیدنی کمپ ما و خیلی از کمپهای دیگر را قطع کردند. الان هم کارفرما به نگهبان کمپ که در واقع سرایدار اینجا محسوب میشده گفته که در عرض 24 ساعت عذر ما را بخواهد. من فردا دارم به عنوان مهمان نزد دوستانم در یک کمپ دیگر میروم. در ضمن کارفرما به طور شفا‌هی به من و عده‌ای دیگر گفته که اخراج هستیم.

آیا از اینکه کارفرما گفته اخراج هستی ناراحت و یا نگران نیستی؟ دستمزدی که از او طلب داری چه میشود؟ اصولاً چگونه بدون تسویه حساب به شما گفته‌اند که اخراج هستید؟ اصلاً چرا حکم اخراج را بطور کتبی صادر نکرده‌اند؟

اینکه چرا بطور کتبی یعنی رسم‌آور حکم اخراج را صادر نکرده‌اند دلیلشان این است که شرایط عادی نیست و ما کارگران را مسئول بوجود آمدن این شرایط می‌دانند. ناراحت و یا نگران نیستم. به این راحتی نمی‌توانند ما را اخراج کنند. در رابطه با مورد خودم به دلیل تخصصی که دارم می‌دانم بعد از اعتصاب حتی اگر کارفرمای کنونی اخراجم کند، به راحتی در شرکت دیگر کار پیدا می‌کنم. اینها به ما احتیاج دارند. در رابطه با تسویه حساب هم باید بگویم خود آن یک روند بوروکراتیک دارد که باید طی شود، ولی به هر حالت مجبور هستند که طلبها را پرداخت کنند.

غیر از قطع غذا و آب و اخراج کارگران، شرکت‌های پیمانی چه واکنش دیگری نسبت به این اعتصاب داشته‌اند؟ فکر می‌کنی چه برنامه‌ای در دستور کار خود داشته باشند؟

شايد جالب باشد که در همان روزهای اول اعتصاب، نمايندگان اين شرکت‌های پيما‌نى با ما تماس گرفتند و خواستند که دست از اعتصاب بکشيم. مثلا در شرکتى که من کار مى‌کنم مدیر عامل شركت آمد و گفت اين اعتصاب به ضرر خود شماست. گفت هدف اين است که شرکت‌های خصوصی را از اين طريق از سر راه بردارند. گفت به طور مثال ما اگر نتوانيم کارها را طبق برنامه زمانى به دليل همین اعتصابها به اتمام برسا نيم آن وقت ديگر نمی‌توانيم در مناقصه‌های ديگر شركت کنيم و کارهايى را که الان ما انجام مى‌دهيم به طور کلى مى‌افتند به دست سپاه پاسداران و وزارت دفاع و شما کارگران با سپاه سر و کار خواهيد داشت. خلاصه حرف اش اين بود که ما يعني شركت و کارگران مى‌توانيم به نوعی در مورد دستمزدها با هم کنار بياييم و بنا بر اين بهتر است اعتصاب را بشكниid. اما همان‌نظرور که مى‌دانى اعتصاب ادامه يا فته و در حال گسترش بوده است. اصولا با اين استدلال‌ها نمی‌توانند کارگران را وادار کنند که به اين شرایط برده‌وار، تن بد هند. اصولا اگر قرار باشد ما با اين شرایط و با اين دستمزدها کار کنيم، برايمان اصلا مهم نیست که حالا کسانى که ما را استثمار مى‌کنند چه کسانى هستند؛ سپاهی هستند و يا غيرسپاهی.

اعتصاب چه مدت ادامه خواهد داشت و تا چه حد انتظار داري که اين اعتصاب با پيروزي شما به پايان برسد؟

اعتصاب همان‌طور که اعلام كرده‌ایم تا اول مرداد ادامه خواهد داشت. درباره موفقیت آمييز بودن اعتصاب، من خيلي خوشبین هستم. روحیه کارگران بطور باور نکردني بالاست و اراده راسخ دارند که تا رسیدن به خواسته‌های خود به اعتصاب ادامه دهند. اين اعتصاب، پيروزمند خواهد بود. من در اين مورد تردید ندارم.

آیا برای این خوبی‌بینی، غیر از روحیه بالای کارگران و اراده راسخ آنان، دلیل دیگری هم داری؟

بله. غیر از موضوع روحیه و عزم و اراده بالای کارگران، دلیل دیگری هم برای این خوبی‌بینی دارم. همانطور که قبل اشاره کردم اکثر قریب به اتفاق کارگرانی که دست به اعتصاب زده‌اند، کارگران ماهر و یا نیمه‌ماهر محسوب می‌شوند. درست است که کارفرمایها به دلیل موقت بودن قراردادهای ما از لحاظ حقوقی می‌توانند همه ما را اخراج کنند، اما بعد چه؟ ما که کارگران به اصطلاح ساده نیستم که اینها ما را اخراج کنند و فردا یک اگهی برای استخدام بزنند و با توجه به سطح بیکاری، چندین برابر مورد نیاز خود درخواست تقاضای کار به دستشان برسد. در این کشور آنقدر کارگر متخصص و بیکار وجود ندارد که جایگزین ما بشود. یک مثال دیگر معزّنم. کاری که من و همکاران من یعنی رنگکاران قسمت اورهال انجام می‌دهیم را قبل کارگران فرانسوی در اینجا انجام می‌دادند. و یا جوشکاری آرگون را تنها تعداد معینی در این کشور می‌توانند انجام دهند. بطور کلی بسیاری از کارهای تخصصی را که ما اعتصاب کنندگان انجام می‌دهیم را نمی‌توانند جایگزین کنند. به علاوه کارهای تخصصی به هم ربط دارند. مثلاً در یک شرکت حتی اگر فیتریندها به سر کار برگردند آما به اندازه کافی جوشکار وجود نداشته باشد، کارها لنگ می‌مانند.

به یک عامل مهم دیگر هم باید تاکید کنم و آن اینکه درست است که ادامه اعتصاب برای ما کارگران که آه در بساط نداریم، خیلی سخت است، اما زیانی که هر روز اعتصاب ما به این شرکتها و پالایشگاه‌ها می‌زند، ارقام‌اش نجومی است. اینجا پای سودهای میلیاردی در میان است. محصولات بعضی از این شرکت‌های پتروشیمی چند صد میلیون تن است که علاوه بر تأمین نیازهای داخلی، قادر هم می‌شود و بنابراین منبع ارز خارجی است. اینها برای مدت طولانی نمی‌توانند از این سودها و درآمدهای نجومی

صرف نظر کنند. هر ثانیه اعتصاب ما از لحاظ مالی زیان هنگفتی برای اینها به بار می‌آورد. بنا به همه این دلایل من خیلی خوشبین هستم. اگر اتحاد خودمان را حفظ کنیم قطعاً در این اعتصاب پیروز خواهیم شد.

هماطور که گفتی اکثر کارگران به محل زندگی خودشان برگشته‌اند و کمپها تقریباً خالی شده. حال اگر کارفرماها و یا دولت و یا هر ارگان دیگری بخواهد با شما مذاکره و گفتگو کند با چه کس و یا کسانی و چگونه باید تماس بگیرد؟

درست است که کارگران پیمانی، کمپها را خالی کرده و رفته‌اند، اما معنی‌اش این نیست که با هم دیگر ارتباط ندارند. ما مسایل را دنبال می‌کنیم و از جمله از طریق شبکه‌های مجازی با یکدیگر تبادل نظر می‌کنیم. بنا بر این، کمال ارتباطی بین کارگران وجود دارد و کارفرمایان و یا دولت هم می‌دانند که چگونه باید با ما ارتباط بگیرند. مانند همان امام جمعه‌ای که برای هشدار دادن نسبت به راه‌پیمایی، ما را پیدا کرد، دیگران یعنی کارفرمایان و یا دولت و یا هر ارگان دیگر نیز راه خودشان را بلدند.

لطفاً اگر ممکن است از کم و کیف فعالیت اقتصادی در منطقه و شرایط امنیتی در عسلویه، در پالایشگاه‌ها و شرکتها برایمان بگو.

این منطقه به طور کلی از شمال به رشته کوه‌های زاگرس منتهی می‌شود و از جنوب هم به خلیج فارس می‌رسد. هماطور که در ابتداء گفتم اساس فعالیت‌های اقتصادی حول گاز می‌چرخد و اینجا خبری از نفت نیست. در قسمت شمالی، یعنی در منطقه کوهستانی پادگان و قرارگاه‌های نظامی قرار دارند. یگانه ویژه را هم اینجا داریم. در جنوب هم، مرزبانی دریایی وجود دارد که مرزهای دریایی را کنترل می‌کند. پالایشگاه‌ها و شرکتها هم هر کدام بخش حراست دارند که از جمله کارشان این است که با ماشین‌های

تویوتا و موتور سیکلت‌های بزرگ هر از چند گاه مشغول گشت زنی هستند. در هر شرکت و یا پالایشگاه نیز دژبانی وجود دارد که ورود و خروج را کنترل می‌کند؛ مثلاً کارگران را بعد از اتمام کار و در موقع خروج، بازرسی می‌کنند تا چیزی را از شرکت بیرون نبرند. خلاصه این که در "امنیت کامل" به سر می‌بریم.

اعتراض شما چه در ایران و چه در سطح بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته. اهمیت حمایت‌های داخلی به نظرم روشن است. همبستگی و حمایت‌های بین‌المللی تا چه میزان برایتان مهم بوده است و آیا اصولاً از آنها اطلاع می‌باشد؟

بله از این حمایت‌های جهانی نیز اطلاع پیدا می‌کنیم؛ چه از طریق شبکه‌های مجازی و چه از طریق دیگر رسانه‌ها. این حمایتها برایمان خیلی اهمیت دارد. وقتی می‌شنویم که کارگران و تشکل‌های کارگری در آن سوی جهان متوجه شده‌اند که ما در اعتراض هستم و با ما اعلام همبستگی کرده‌اند، قوت قلب بیشتری می‌گیریم. این حمایتها به ما روحیه می‌دهد.

اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران

۲۰۲۱ ژوئیه

info@workers-iran.org

<http://www.etehadbinalmelali.com>

<https://twitter.com/IASWIinfo>

اعتراض در ایران!



اعتراض عمومی، پالایشگاه‌ها و میدان‌های نفتی جنوب ایران را فراگرفته است.

از سحرگاه اول اوت، شمار زیادی از کارگران پالایشگاه‌های نفت سنگین در قشم، پارسیان لامرد، پالایشگاه آبادان و پالایشگاه فازهای ۲۲ و ۲۴ کنگان - پارس جنویی دست به اعتراض زده‌اند.

کارگران و کارکنان میدان نفتی آزادگان شمالی از روز ۲۹ ژوئیه جهت اعتراض به دستمزدهای ناچیز و تهدید به اخراج از کار، اعتراض کرده‌اند.

کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه که در گرمای نزدیک به ۵۰ درجه کار می‌کنند، از ۱۳ ژوئن اعتراض کرده‌اند. چند ماه است که حقوق و دستمزد آنان پرداخت نشده است.

این اعتراض‌ها در شرایط دشواری صورت می‌گیرد، زیرا رژیم ایران آزادی‌ها و حقوق سندیکائی منطبق با مقاوله نامه‌های بین‌المللی کار را که خود نیز امضا کرده است، زیر پا می‌گذارد.

حکومت مطالبات حقوقی مزدگیران را انکار کرده و تلاش می‌کند اعتراض کنندگان را با تهدید و سرکوب خفه کند.

اما، فعالان از جمله با ایجاد صندوق ملی همبستگی مالی، برای کمک به اعتراض کنندگان، به سازماندهی کارگران پرداخته‌اند.

در اوضاع حاد کنونی، فعالان کارگری ایران به اتحاد و همبستگی

همه اقشار مردمی دعوت می کنند تا صدای مطالبات به حق آن ها
به گوش برسد.

سازمان های سندیکائی فرانسه:

کنفراسیون فرانسوی دموکراتیک کار CFDT

کنفراسیون عمومی کار CGT

فردراسیون سندیکائی متحد FSU

اتحاد سندیکائی متحد Solidaires

اتحادیه سندیکائی مستقل UNSA

از کارگران اعتضابی در ایران پشتیبانی می کنند.

ششم اوت ۲۰۲۰

به کارگران و توده های رحمتکش ایران!



پیام تشکلات کارگری:

اتحاد و تشکل طبقاتی را مستحکم کنیم، به مبارزه

ادامه دهیم !

بیش از پنجاه روز است که کارگران رزمنده نیشکر هفت تپه برای احراق حقوق خود در اعتراضند. حدود پنج هزار کارگر نیشکر هفت تپه سازماندهی اعتراض خود را در شکل اعتراض و تظاهرات خیابانی تا رسیدن به اهدافشان با عزمی استوار جزم کرده اند. کارگران بخش‌های مختلف هفت تپه با توافق یکدیگر و تقسیم کار میان خود، هم در کارخانه و کشتزار و هم در عرصه خیابان، در صف متعدد به اعتراض به عملکرد ضد کارگری کارفرما و مدیران شرکت و مقامات محلی حکومت روی آورده اند. کارگران مبارز با خشم و تنفر طبقاتی نسبت به سیاست‌های ضد کارگری دولت و دستگاه سیاسی حاکم، با جسارت و تلاش خستگی ناپذیر در ادامه اعتراض و مقاومت در مقابل بی توجهی مسئولان ثابت قدم بوده اند. کارگران نیشکر هفت تپه با طرح مخالفت علیه خصوصی‌سازی که معنائی جز به تاراج دادن و حیف و میل وسایل کار و زندگی هزاران کارگر و خانواده‌ها یشان ندارد؛ با تلاش برای دستیابی به حقوق‌های پرداخت نشده و سایر مزایای شغلی از جمله بیمه تأمین اجتماعی و همچنین بازگشت به کار دوستان و همکاران اخراجی خود، پیشتاز مبارز طبقه کارگر در مقابل سرمایه داران، زمین داران و زمین خواران و حاکمیت سرمایه داری بوده اند.

مطلوبات کارگران نیشکر هفت تپه و پایداری آنها بخش از اعتراضات و اعلام خواست‌های عمومی طبقه کارگر در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، معادن و دیگر مراکز کارگری - تولیدی، خدماتی، آموزشی و درمانی، کشاورزی در سراسر کشور است. فریاد کارگران نیشکر هفت تپه، طنین خشم سرکوب شده کارگران و اقشار زحمتکشی است که روز و شب استثمار و ستم اقتصادی و سیاسی سرمایه داری و عوارض اجتماعی و فرهنگی شوم آن را بر جسم و جان خود تحمل می‌کنند. نظام سرمایه داری و دستگاه سیاسی حاکم که حامی آن است عامل اصلی بدختی و سیه روزی بیش از 90 درصد اهالی کشور و منشأ اصلی ستم و سرکوب طبقاتی، جنسی، مذهبی، ملی و قومی در جامعه اند، نظامی که فقر و سیه روزی، عقب ماندگی فرهنگی، و تاریک اندیشه، فساد و دزدی و دغلکاری را بر زندگی توده‌های زحمتکش تا اعماق منافع غارتگران طبقات دارا و سلطه آنان است. نظامی که برای حفظ منافع غارتگران طبقات دارا و سلطه آنان بخش عظیم و روزافزونی از منابع کشور را صرف نظامی گری و سوداهاي عظمت طلبانه ارجاعی در منطقه می‌کند.

رها یعنی از این شرایط نا به هنجار اجتماعی در گرو هم‌مدادی و اتحاد هم نیروهای ستمدیده ای است که مناسبات سرمایه داری، آنها را به

یک نیروی هم درد، متحد و مبارز اجتماعی تبدیل کرده است. اکنون کارگران نیشکر پرچمدار مبارزه علیه خصوصی سازی، ریاضت کشی و مستمند سازی مردم از سوی دولت و مقابله با نمایندگان سیاسی حکومت می باشند. این یک درس بزرگ و پیامی رسا از طرف این بخش از طبقه کارگر به جنبش کارگری می باشد. تحت تاثیر بحران فزاینده اقتصادی و سیاسی، شاهد برپایی اعتراضات و اعتصابات در بخش وسیعی از صنایع نفت و گاز و پتروشیمی های مناطق نفت خیز جنوب هستیم. کارگران حق طلب پالایشگاه آبادان، قشم، لامرد و بخش های وسیعی از پروژه های پارس جنوبي (علسویه، کنگان، تنگ، طاهری، بیدخون) و پتروشیمی های ماشهر و تأسیسات نفتی در خوزستان، بوشهر و منطقه پارسیان در استان هرمزگان و هپکو اراک، با اعلام نارضایتی از سیاست های اقتصادی دولت به صف مبارزه برای احراق حقوق خود برپا خاسته اند. کارگران دریافتیه اند که راهی جز اعتساب و مبارزه برای دستیابی به خواست های خود ندارند.

یکی از خواست های کارگران در این اعتراضات پرداخت مزدها و مزایای عقب مانده است. دولت موظف است در صورت سرپیچی کارفرما از پرداخت حقوق های معوقه، پرداخت فوری دستمزد کارگران را بر عهده گیرد.

کارگران!

نظام سرمایه داری و دستگاه سیاسی حامی آن دردهای بزرگ و روزافزونی از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه ایجاد کرده اند. این دردها درد مشترک کارگران و زحمتکشان جامعه اند. درد مشترک درمان مشترک از سوی خود کارگران می طلبد و این درمان مشترک در مبارزات پیگیر و متحد کارگران تجسم می یابد. مبارزات پیگیر و مشترک جز با تشکل های مستقل کارگری میسر نیست، تشکل هائی که باید مستقل از کارفرما، دولت، نهادهای مذهبی و احزاب سیاسی باشند. از این رو تنها این مسیر می تواند به پیروزی برسد: مبارز مشترک و اتحاد محکم برای تغییر اساسی شرایط موجود با وجود تشکل های مستقل کارگری. روند اعتراضات باید در تمام بخش های مختلف جامعه ادامه یابد و حلقه های متحدى از تمام اقشار زیر ستم جامعه به شکل یک جنبش سراسری در مقابل زورگویی، تبعیض و حق کشی و فساد و غارت گری حاکمیت سرمایه داران و زمین داران با قدرت به پیش برده شود.

کارگران نیشکر زمانی می توانند به خواست های اساسی خود دست یابند که به ویژه کارگران صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد، معادن،

خودروسازی ها و در اتحاد با آنها معلمان، دانشجویان، زنان، بازنشستگان، پرستاران، کشاورزان و هم‌اقشار زحمتکش جامعه متعدد و همسنگ آنها در عرصه جنبش سراسری اجتماعی قرار بگیرند. حاکمیتی که نمی‌خواهد به خواست‌های توده‌های مردم پاسخ گوید باید با مقاومت و مبارزه عمومی مردم مواجهه شود. تاریخ حیات سیاسی، جمهوری اسلامی ارمغانی جز فقر، جنگ، کشتار و اعدام دربر نداشته است. باید با اعتراض و اعتراض سراسری راه‌های تأمین منابع درآمد برای خرید تسليحات نظامی و مخارج گسترشده کردن سفره‌های رنگین و اشرافی و به جیب زدن سودهای کلان از مسئولان و چپاول گران فاسد گرفته شود. رژیم برای تهییه ارز و حفظ بنیه مالی خود به بهای تعطیل کردن کارخانجات بزرگ فولاد و ذوب آهن و بیکار سازی‌های گسترشده به جای تأمین نیاز تولید داخلی و کار آفرینی و کاهش بیکاری در جامعه، اقدام به فروش مواد خام و منابع تأمین انرژی و سنگ آهن، معادن طلا و حتی اجاره دریاها و واگذاری آنها به شرکت‌های امپریالیستی چینی و روسی کرده است. محروم نمودن کارگران و زحمتکشان از موهب اجتماعی و مسدود نمودن راه‌های تأمین معاش توده‌ها، و واگذاری امتیازهای اسارت بار به امپریالیست‌ها برای حفظ بقای خود، پاسخ رژیم به تخفیف بحران مرگ باری است که گریبان نظام اقتصادی و سیاسی حاکم را گرفته است. در سیاست داخلی نیز پاسخ جمهوری اسلامی چیزی جز تشديد فقر و تشديد سرکوب و شلاق و زندان نیست. در شرایط حاضر سیاست سرکوب رژیم موجب افزایش روحیه رزمندگی معتقدان و به صحنه آمدن بخش وسیعی از طبقه کارگر گردیده است. تحریم‌ها کمبود منابع مالی و و خامت اقتصادی مشکل خود ساخته حکومت است و هیچ ربطی به طبقه کارگر و توده‌های زیر ستم ندارد و باید سختی و فروپاشی را به کارگران تحمیل نماید. پاسخ کارگران تشديد اعتراض، هم‌صدایی و اتحاد و ایجاد تشکل‌های محل کار و مراکز تولیدی، خدماتی و انسجام بخشیدن به مبارزات حق طلبانه است. اتحاد سراسری کارگران و سایر جنبش‌های اجتماعی ضرورتی است که باید در اولویت هر جنبش اعتراضی قرار گیرد.

کارگران پتروشیمی‌های منطقه ماهشهر و بندر امام

کارگران پروژه‌های پارس جنوبي

فعالان کارگری شوش و اندیمشک

فعالان کارگری جنوب

جمعی از کارگران محور کرج تهران
15 مرداد 1399